

# جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید<sup>۱</sup>

دکتر حسین ابوالحسن تنهایی\* - مصطفی عبدی\*\*

## چکیده

پس از استخراج مفاهیم حساس در مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید و شاخص‌سازی این مفاهیم، داده‌های مورد نیاز از جامعه ایران دوره پهلوی اول (از زمان نخست‌وزیری رضاخان تا خلع وی از پادشاهی) جمع‌آوری شده و با تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، مشخص شد که جامعه آماری مورد مطالعه از حیث تفکیک‌یافتگی اجتماعی بسیار ساده و دارای ساختار اجتماعی دوجبهی بوده و قوانین اجتماعی در آن عمومیت ندارند و این اشخاص هستند که مسیر تغییر و تحولات اجتماعی را رقم می‌زنند نه نقش‌های اجتماعی تعمیم یافته. بنابراین جامعه ایران دوره تاریخی پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید در مرحله بازی‌های فردی قرار گرفته و از زمره جوامع توسعه نیافته به شمار می‌آید.

## واژگان کلیدی

طبقات اجتماعی مستقل، تنوع ایدئولوژی‌ها، احزاب سیاسی، قوانین اجتماعی مثبت، تشخیص‌گرایی، بازی‌های فردی، بازی‌های جمعی، جوامع تعمیم یافته

1. Georg Herbert Mead

\* عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. [hatanhai@yahoo.com](mailto:hatanhai@yahoo.com)

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم. [M\\_abdi1357@yahoo.com](mailto:M_abdi1357@yahoo.com)

### مقدمه

تأمل در مسأله توسعه نیافتگی<sup>۱</sup> ایران منجر به انجام تحقیقات کثیری توسط اساتید صاحب‌نام علوم اجتماعی ایران شده، اما با تمام نقاط افتراق موجود بین این پژوهش‌ها، آن چه که همه آنها را در یک پارادایم قرار می‌دهد، رویکرد عوامل‌گرایی<sup>۲</sup>، آنها می‌باشد. با در نظر گرفتن انتقادهای وارده بر تحقیقات گذشته، انجام پژوهشی با رویکرد متفاوت از پیشینیان، علاوه بر نوآوری در روش، می‌تواند ابعاد بیشتری از موضوع را دربرگیرد. بینش تفسیرگرایی<sup>۳</sup> برخلاف عوامل‌گرایی مدعی است که انسان را تحت سیطره تعیین محیط اجتماعی و ساختارها ندیده، بلکه قایل به تفسیرگر بودن انسان می‌باشد، هم‌چنین در سنجش درجه توسعه یافتگی جوامع علاوه بر شاخص‌های کمی که مورد توجه عوامل‌گراهاست، شاخص‌های کیفی را هم از نظر دور نمی‌دارد.

### بیان مسأله

با گسترش ارتباطات بین‌المللی و رویارویی بیشتر ملت‌ها و کشورهای جهان با یکدیگر و فراهم آمدن امکان مقایسه خود با دیگران دولت‌ها در صدد شناخت ضعف‌های خود و برطرف نمودن آنها در جهت مقابله با هجوم دیگران برآمدند. از مهمترین رویارویی‌های ملت‌ها و دولت‌های جهان در تاریخ بشر رویارویی دو قطب شرق و غرب با یکدیگر در طول تاریخ و کشمکش‌های ناشی از برقراری نوعی ارتباط خاص مبتنی بر سلطه یکی بر دیگری در هر دوره‌ای است.

آنچه مسلم است تاریخ بیداری و پی‌بردن به ضعف خود در برابر صنعت و فرهنگ رو به گسترش غرب را از سوی ایرانیان؛ از زمان شکست سپاه شاه اسماعیل صفوی در جنگ چالدران از سپاه امپراتوری عثمانی که مجهز به ابزارآلات جنگی و آرایش نظامی متح از صنعت و فرهنگ غربی بوده می‌دانند. پس از شکست چالدران

1. Underdevelopment  
2. Factorial analysis  
3. Interpretative

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی... ❖ ۴۵

و پی بردن به ضعف خود، ایرانیان در تلاش رفع این ضعف‌ها برآمده و علت آن را در عدم دسترسی به صنعت و فن‌آوری جدید، خصوصاً در عرصه نظامی دانستند. بر همین اساس به طور پراکنده و جسته و گریخته اقتباس از غرب از دوران شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی آغاز شد. این روند پس از شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه و از زمان فتحعلی‌شاه قاجار شدت یافت. (تقوی، ۱۳۷۷؛ ۳۹-۴۰)

اقتباس از غرب ابتدا با دعوت به همکاری مستشاران و کاردانان غربی از طرف دولت و برنامه‌ریزی اداری و نظامی شروع و سپس با وارد کردن صنایع و تأسیس کارخانه و ترجمه کتب در زمان عباس میرزا ادامه یافت و با اعزام محصلان به اروپا و تأسیس مدارس عالییه از جمله دارالفنون در دوران صدارت امیرکبیر به اوج خود رسید، نسل عباس میرزا و امیرکبیر چاره توسعه ایران را در تربیت دانشمندان و دسترسی به علوم و فنون جدید می‌دانستند، اما نسل بعدی روشنفکران که تربیت یافته شرایط حاصل از اصلاحات پیش از خود بودند، ریشه‌های عقب‌ماندگی ایران را در ساختارها و نهادهای اجتماعی جستجو نموده و اختلاف بین شرق و غرب را در وجود و عدم وجود ساختارها و نهادهای اجتماعی دموکراتیک می‌دانستند. همین طیف از روشنفکران زمینه‌ساز انقلاب مشروطه شده و گمان می‌نمودند که با تحقق این نهادها ایران در مسیر توسعه قرار خواهد گرفت. اما غافل از این که، این نهادهای دموکراتیک زاده شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص خود می‌باشند. لذا نسل بعدی روشنفکران که عده‌ای از آنها روسی‌تبار بودند، تحت تأثیر اندیشه کارل مارکس به مقایسه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی ایران با کشورهای سرمایه‌داری پرداخته و تبیین‌های متفاوت از پیشینیان ارائه نمودند. این نظریه‌پردازان که به دو گروه مارکسیسم سنتی (ارتدوکس) و شیوه تولید آسیایی تقسیم می‌شوند، به طور کلی دلایل توسعه‌نیافتگی ایران را در قالب استبداد داخلی و استعمار خارجی مطرح می‌نمایند.

با گذشت سالیان متمادی از تأمل در مسأله توسعه‌نیافتگی ایران و طرح نظریه‌های

## ۲۶ ❖ جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی...

متعدد، به نظر می‌رسد نظریه‌های مطرح شده، دربرگیرنده تمامی ابعاد مسأله نیست. انتقادهای فراوانی بر تک‌تک این نظریه‌ها وارد شده که به خوبی بیان‌گر این نارسایی‌ها است. عقیده این نوشتار بر این است که این نظریه‌ها از مبانی نظری جامعی برخوردار نبوده و برای مرتفع نمودن انتقادهای وارده بر این دیدگاه‌ها باید مبانی نظری کامل‌تری یافت که دربرگیرنده تمام ابعاد مسأله توسعه‌نیافتگی ایران باشد. لذا به منظور تحقق این مهم مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید انتخاب شد.

### مبانی نظری

به نظر جرج هربرت مید ایفای نقش، حلقه اتصال افراد به نظام تقسیم کار اجتماعی<sup>۱</sup> است که به دو صورت نقش‌بازی و نقش‌گیری صورت می‌گیرد. در هنگام نقش‌بازی کردن<sup>۲</sup> فرد از خویش غافل شده و آن‌چنان رفتار می‌نماید که تمام وجود خود را در آن نقش مستحیل سازد. همان‌گونه که بازیگر متأثر چنین می‌کند. بازیگر نقش جز نقش محول نقش دیگری را تجربه نمی‌کند و یکسره تحت سیطره آن نقش عمل می‌نماید. (تنهایی، ۱۳۸۰؛ ۱۲)

اما در نقش‌گیری کردن<sup>۳</sup> فرد ضمن حساس نگاه‌داشتن خویش سعی می‌کند با به حساب‌آوردن نقش دیگران و گرایش‌های آنها به دنیای تجربه اجتماعی آنها وارد شود و بر اساس فهم به دست آمده از این تجربه کنش متناسب انجام دهد. (تنهایی، ۱۳۸۰؛ ۱۲)

انسان به واسطه داشتن «خود»<sup>۴</sup> قادر به نقش‌گیری است. «خود» نیز نتیجه یک رابطه دیالکتیکی بین «من»<sup>۵</sup> و «من اجتماعی»<sup>۶</sup> است، من تظاهر ذهن در انسان و من اجتماعی تظاهر جامعه در انسان می‌باشد، بر همین اساس مید طرح دو انگاری<sup>۷</sup> از

1. Social Division of Labore
2. Role playin
3. Role taking
4. Self
5. I
6. Me
7. Dualism

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی ... ❖ ۴۷

توسعه جوامع بشری ارائه می‌دهد که شامل دوره حاکمیت «من اجتماعی» یا عناصر جمعی و دوره «من» یا تسلط عناصر فردی است. در دوره من اجتماعی که آغاز آن «جوامع تقلیدی» کوچ‌رو و غارنشین می‌باشد، «من» قادر به درک من‌های اجتماعی گوناگون نبوده و تقسیم‌کار اجتماعی بر اساس مشاهده و تقلید کار دیگران انجام می‌شود. بنابراین انسان یکسره تابع شرایط کار و نقش‌های اجتماعی مدون اجتماع‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته است.

در مرحله اول دوره من اجتماعی (جوامع تقلیدی) کنش‌های افراد و کنش پیوسته به شکل «نامادی» می‌باشد. تفاوت این مرحله با مرحله‌های بعدی که دوره نمادی به آنها اطلاق می‌شود در این است که در دوره نمادی برخلاف دوره نامادی انسان از طریق نقش‌گیری با سیستم تقسیم‌کار اجتماعی گره می‌خورد. در اندیشه مید دوره نمادی به سه دوره دیگر تقسیم می‌شود که هر یک از خلال دیگری در امتداد هم به وجود می‌آیند، این سه دوره عبارتند از:

۱- **دوره بازی‌های فردی:** در این دوره انسان ضمن درک نمادی نقش و مفاهیم نمادی «خود» قادر به درک یک نقش دیگر نیز هست و به همین دلیل روابط دوگانه تشکیل می‌گردد. بر اساس هندسه اجتماعی جرج زیمل<sup>۱</sup> این دوره دارای هندسه اجتماعی دوجهی بوده<sup>۲</sup> و در نتیجه نقش سوم در این هندسه جایگاهی ندارد. (تنهایی؛ ۱۳۸۱: ۴۰)

۲- **دوره بازی‌های جمعی:** در این دوره با تصور نقش‌های متعدد، جامعه از حالت هندسه دوجهی کمتر تفکیک‌یافته به حالت سه‌وجهی<sup>۳</sup> تفکیک‌یافته‌تر متحول می‌گردد. اما هنوز تکامل اجتماعی وابسته به افراد خاص بوده و با فقدان افراد بزرگ و شخصیت‌های تاریخی، فرآیند توسعه اجتماعی و سازمان‌یافتگی جامعه نیز مخدوش می‌شود. (تنهایی؛ ۱۳۷۷)

1. G. Simel  
2. Dyadic  
3. Tryadic

۳- دوره دیگر تعمیم یافته: هرگاه نقش‌گیری در جامعه ثبات لازم را یافته و از حد و حدود تجربه‌های فردی به گستره تجربه‌های اجتماعی وسیع، اجتماع‌های سازمان یافته و گروه‌های اجتماعی پیچیده‌تر حرکت کند و دیگر به جای گرایش‌های افراد، نقش‌های اجتماعی<sup>۱</sup> تعمیم‌یافته از خلال تجربه اجتماعی سازمان یافته به حساب آیند، جامعه انسانی وارد دوره دیگر تعمیم‌یافته شده است. (تتهایی، ۱۳۸۰؛ ۱۶-۱۹)

خصلت‌های تفسیری خلاق و تازگی<sup>۲</sup> در تفسیر و سلوک اجتماعی خصیصه اصلی این دوره است. (تتهایی، ۱۳۷۷؛ ۴۴۰) به طور کلی دیدگاه جرج هربرت مید در خصوص توسعه اجتماعی را می‌توان در مدل ذیل خلاصه نمود:

جوامع تقلیدی ← جوامع بازی‌های فردی ← جوامع بازی‌های جمعی ← جوامع دیگر تعمیم یافته  
(Imitation) (Play phase) (Game phase) (Generalized other)

### اهداف و پرسش‌های تحقیق

این مقاله در نظر دارد با پایگاه تحقیقاتی اثباتی، جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول (از انتصاب رضاخان به نخست‌وزیری تا استعفای اجباری وی از پادشاهی ایران) را در مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید مشخص نماید تا بر اساس آن بتوان توسعه و یا توسعه‌نیافتگی جامعه آماری را بررسی نمود. در راستای تحقق این هدف دو مفهوم حساس تفکیک‌یافتگی اجتماعی و تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی (دیگر تعمیم یافته) از مدل نظری مید استخراج شده و بر همین اساس سؤال‌های ذیل طرح گردید:

- ۱- ویژگی‌های ساختی - تاریخی جامعه ایران در دوره پهلوی اول از حیث تفکیک‌یافتگی اجتماعی چگونه می‌باشد؟
- ۲- ویژگی‌های ساختی - تاریخی جامعه ایران در دوره پهلوی اول از حیث تعمیم‌یافتگی (دیگر تعمیم یافته) قوانین اجتماعی چگونه می‌باشد؟

---

1. Social roles  
2. Novelty

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی... ❖ ۴۹

۳- ساختار اجتماعی ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید مطابق با کدام مرحله از مراحل تکاملی وی می‌باشد؟

### روش تحقیق

به منظور دست یافتن به اهداف مطالعاتی و ارائه پاسخی مناسب برای سؤال‌های طرح شده، با روشی تاریخی و نگرشی توصیفی-تحلیلی با استفاده از تکنیک کتابخانه‌ای و استناد به منابع اولیه و ثانویه تاریخی، جامعه آماری تحقیق بازسازی شده و مورد مطالعه قرار گرفت. برای کنترل اعتبار و روایی داده‌های تاریخی با استفاده از منابع متعدد دست اول و دست دوم و کاربست نقد داخلی و خارجی، پس از مقایسه داده‌های موجود با یکدیگر تا جایی که ممکن بوده واقعیت موجود استخراج شده است. این کار بدین منظور صورت گرفت که نویسنده هریک از منابع مورد استفاده به ایدئولوژی خاصی تعلق خاطر داشته و از منظر آن ایدئولوژی به قضاوت ارزشی وقایع تاریخی پرداخته است.

### طرح تحلیلی

برای مشخص نمودن جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی مید، از دو مفهوم حساس تفکیک‌یافتگی اجتماعی و تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی استفاده شده است، از مفهوم اول سه شاخص طبقات اجتماعی مستقل، تنوع و تعدد ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی و احزاب سیاسی و از مفهوم تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی دو شاخص قوانین اجتماعی مثبت و تشخیص‌گرایی استخراج شد.

### تعریف مفهومی تفکیک‌یافتگی اجتماعی:

در چشم‌انداز نظری اکثر جامعه‌شناسان، جوامع بشری از حالت ساده و همگون کمتر تفکیک‌یافته به سوی تفکیک‌یافتگی بیشتر که با پیچیدگی و ناهمگونی توأم می‌باشد، در حال حرکت هستند، به عنوان مثال از نظر زیمبل جوامع از ساختار

## ۵۰ ❖ جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی...

دووجهی به سمت ساختار چندوجهی در حال حرکت می‌باشند. در اندیشه مید نیز این حرکت از نقش‌گیری ساده (یک‌نقشی) به سمت نقش‌گیری پیچیده (امکان ایفای چند نقش) است. وجود پدیده‌هایی چون طبقات اجتماعی مستقل از ساختار سیاسی، تنوع و تعدد ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی و احزاب سیاسی گویای وجود وجه سوم ساختار اجتماعی خواهد بود.

### تعریف عملیاتی تفکیک‌یافتگی اجتماعی:

۱- وجود طبقات اجتماعی مستقل؛ طبقه اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که رابطه نسبتاً مشابهی با شاخص‌های اصلی زندگی اجتماعی دارند. شاخص‌های اصلی زندگی نیز در سه دسته خلاصه می‌شود: ۱- مالکیت و دارایی (شامل؛ مالکیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) ۲- قدرت اجتماعی ۳- برنامه‌ریزی و مدیریتی که اهداف اجتماعی را بر میزان حفظ گسترش مالکیت رشد می‌دهد. (تنهایی، ۱۳۸۲، ۲۹-۳۰)

وجود طبقات اجتماعی مستقل از ساختار سیاسی نشانگر ناهمگونی و تفکیک‌یافتگی اجتماعی بوده و عدم وجود آن بیان‌گر یکسان‌بودن وضعیت اجتماعی تمامی اقشار جامعه در برابر تصمیم‌های دولت و توده‌وار بودن جامعه می‌باشد.

۲- فعالیت ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی متنوع و متعدد: ایدئولوژی پاسخی است به این که زندگی ایده‌آل چیست؟ جامعه ایده‌آل کدام است؟ چگونه باید زیست؟ باید و نباید از کجا می‌آید؟ سرچشمه ارزش‌ها کجاست؟ خوب و بد کدام است؟ در کل، ایدئولوژی نامی است برای مجموعه ارزش‌ها و باید و نبایدهایی که از مکتب‌های فکری سرچشمه می‌گیرند. (سروش، ۱۳۶۰؛ ۸-۱۰)

امکان فعالیت و رشد ایدئولوژی‌های متعدد، معرف ناهمگونی افکار و عقاید موجود در جامعه می‌باشند، ناهمگونی افکار و عقاید نیز بیان‌گر پیچیدگی ساختار اجتماعی بوده و عدم وجود ایدئولوژی‌های متعدد؛ گویای یکدست بودن افکار و عقاید موجود در سطح جامعه است.



## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی... ❖ ۵۱

۳- احزاب سیاسی: «حزب سیاسی، اجتماع مشکلی است که به دنبال به دست آوردن و کنترل مشروع قدرت حکومت است.» (عضدانلو، ۱۳۸۴؛ ۲۶۴) فعالیت احزاب سیاسی مستقل از اشخاص و قدرت‌های سیاسی حاکمه، نشان‌گر رشد و توسعه حوزه عمومی یا جامعه مدنی است، و برعکس عدم وجود احزاب سیاسی مستقل نشان‌گر تفکیک‌نیافتگی حوزه عمومی (به عنوان وجه سوم ساختار اجتماعی) از دو حوزه خصوصی و حوزه رسمی قدرت سیاسی است.

**تعریف مفهومی تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی (دیگر تعمیم یافته):** تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی در مرحله نهایی طرح تکاملی اجتماعی می‌دهد. در آن دوره دیگر افراد اهمیت نداشته و ملاک تعیین روابط اجتماعی قوانین و نقش‌های تعمیم یافته است. بنابراین دیگر افراد خاص مبنای ارتباطات اجتماعی نبوده و مسیر حرکت جامعه را مشخص نمی‌کند. هم‌چنین به دلیل درک ماهیت خلاق و تازگی تفسیرهای اجتماعی، ماهیت بسته جوامع دوجهبی و سستی شکسته‌شده و دیگر قوانین و مقررات مثبت و الزام‌آور جایگاهی نداشته و قوانین موجود قوانین منفی هستند که در جهت حفظ نظم جامعه از کارکرد فراوانی برخوردارند.

**تعریف عملیاتی تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی:** ۱- فقدان تشخیص‌گرایی: تشخیص‌گرایی عبارت است از وابستگی اجرا و عدم اجرای قوانین مدنی و هم‌چنین وابستگی طرح و اجرای برنامه‌های اجتماعی به اشخاص.

۲- کاهش قوانین اجتماعی مثبت: در منظر جامعه‌شناسی اسپنسر، آئین‌ها به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. آئین‌های اجتماعی منفی هیچ‌گونه الزامی بر دیگران تحمیل نمی‌کنند بلکه آنها را صرفاً از انجام برخی کارها نهی می‌نمایند. برعکس آئین‌های مثبت دیگران را وادار به انجام کارهایی می‌کنند. (تنهایی، ۱۳۸۳) قوانین اجتماعی مثبت نیز، افراد جامعه را ملزم به انجام برخی رفتارها و اعمال می‌نمایند.

### دستاوردهای تحقیق

پس از بررسی جامعه ایران دوره پهلوی اول (از ۱۳۰۲ ه.ش تا شهریور ۱۳۲۰ ه.ش) در پاسخ به سؤال‌های تحقیق می‌توان ویژگی‌های جامعه‌شناختی این دوره را بر اساس شاخص‌های تحقیق به شرح زیر بیان نمود:

#### الف) ویژگی‌های جامعه ایران دوره پهلوی اول از حیث تفکیک‌یافتگی اجتماعی

۱- طبقات اجتماعی مستقل: آنچه در جامعه‌شناسی توسعه اهمیت فراوان داشته و به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی تفکیک‌یافتگی اجتماعی به شمار می‌آید، صرفاً وجود طبقات اجتماعی نیست، بلکه وجود طبقه اجتماعی است که موقعیت افراد تشکیل دهنده آن وابسته به اراده نظام سیاسی حاکم نباشد. در غیر این صورت همه طبقات و اقشار در مقابل قدرت حاکم برابر بوده و مطابق نظر کاتوزیان تضاد طبقات تبدیل به تضاد بین دولت و ملت خواهد شد. (۱۳۸۴a) این یکی از خصایص جامعه توده‌وار است که از حیث تفکیک‌یافتگی بسیار ساده و همگون می‌باشد.

ملاک تفکیک طبقات و قشربندی اجتماعی رابطه افراد با شاخص‌های اصلی زندگی اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های زندگی اجتماعی مالکیت و دارایی می‌باشد. علی‌دشتی که زمانی از مداحان رضاشاه بود پس از برکناری وی روز ۲۵ شهریور در مقام نماینده مجلس حقوق مالکیت را در دوران پهلوی اول چنین توصیف می‌نماید: «حق مالکیت یکی از شریف‌ترین و قدیم‌ترین حقوق جوامع متمدن بشری است که همیشه مورد توجه عموم و تمام حکومت‌های دنیا بوده است. تمام اشکال دولت‌ها برای این تشکیل شده‌اند که حق مردم تضيع نشود ولی در این بیست سال طوری تضيع شده که حدی بر آن متصور نیست.» (خواجه‌نوری، ۱۳۷۵؛ ۱۸۱)

در زمان رضاشاه شرط ماندگاری افراد در موقعیت‌های برتر اقتصادی-اجتماعی و هم‌چنین تضمین امنیت مالکیت و دارایی آنها تعلق قدرت سیاسی بود. رضاشاه پس از تثبیت پایه‌های قدرت خود بسیاری از افراد طبقه فرادست جامعه را (که عموماً

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی ... ❖ ۵۳

ملوک الطوائف‌ها و خان‌های ایلات بودند) قلع و قمع نموده و اموال آنها را مصادره نمود. او با وادار ساختن اشراف به فروش زمین‌های خود به قیمت‌های ارزان و محروم کردن برخی دیگر از مالکین نه تنها از قدرت و ثروت بلکه بیشترشان را از آزادی، شأن و مقام و حتی زندگی خلع ید کرد. (آبراهامیان، ۱۳۸۳، ۱۸۷)

بنابراین نه تنها رابطه افراد با مالکیت و دارایی وابسته به اراده نظام سیاسی بود بلکه در مورد سایر شاخص‌های اصلی زندگی اجتماعی نیز چنین رابطه‌ای برقرار بود. البته ناامنی موجود برسر راه برقراری رابطه با این شاخص‌ها تنها توسط شخص رضاشاه ایجاد نمی‌شد، بلکه وی به فرماندهان نظامی خود می‌گفت: «املاکی برای خود تهیه کنید!» و بدین ترتیب دست‌شان را در چپاول اموال مردم باز می‌گذاشت. (فردوست، ۱۳۷۰؛ ۷۸) علاوه بر غارت و چپاول اموال و دارایی مردم، دخالت و انحصار دولت در تجارت داخلی و خارجی نیز مانع بزرگی بر سر راه رشد طبقه‌های مستقل از ساختار سیاسی بود. رضاشاه تنها بزرگترین زمین‌دار نبود بلکه تاجر بزرگی نیز بود که در تمامی تجارت‌های آن زمان دخالت نموده و خود را سهام می‌نمود، وی بیش از ۲۷ انحصار دولتی، نظیر تنباکو، شکر، چای، کبریت، تریاک، منسوجات، اتومبیل و... را برای خود ایجاد کرده بود. (پهلوان، ۱۳۸۴؛ ۶۹۷) طبیعی است در چنین وضعیتی امکان حضور طبقات اجتماعی مستقل از قدرت سیاسی وجود نداشته و ساختار اجتماعی دارای دو وجه دولت و توده مردم خواهد بود. به نظر مارکسیست‌هایی که مطالعات شرق‌شناسی مارکس را مبنا قرار داده و به تکامل چند خطی باور دارند، وجود طبقه اشراف در تاریخ فنودالیسم غربی به عنوان شق سوم ساختار اجتماعی تا حد زیادی کنترل‌کننده قدرت سیاسی بوده است.

۲- تعدد و تنوع ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی: جوامعی که از عناصر مشابه و یکسانی تشکیل شده‌اند به مراتب از تفکیک‌یافتگی کمتری برخوردارند. (تنهایی، ۱۳۷۷؛ ۱۴۸-۱۴۹) حرکت از همگنی و تشابه اجزا به اشکال ناهمگن و تفکیک‌یافته‌تر نه تنها در اجزا و عناصر مادی، بلکه در عناصر غیرمادی جوامع نیز

صورت می‌گیرد. ساختار معرفتی جوامع ساده و همگن نسبت به جوامع تفکیک‌یافته‌تر از تنوع کمتری برخوردار می‌باشند، بر همین اساس در هر جامعه‌ای تکثر و تنوع ایدئولوژی‌ها و جریان‌های فکری، نقش اساسی در توسعه اجتماعی دارند.

از زمان مشروطه به بعد، صرف نظر از عقاید مختلف و ظواهر آنها، سه گرایش سیاسی (ایدئولوژی) عمده را می‌توان بازشناخت که هر سه به نوعی داعیه‌دار «ناسیونالیسم» بودند. گرایش نخست را می‌توان ناسیونالیسم «متجدد»، «مترقی»، «رادیکال» یا «آینده‌نگر» نامید. دومین گرایش سیاسی ناسیونالیسم «لیبرال»، «دموکرات» یا «بورژوا» بود. اما گرایش سوم ناسیونالیسم «محافظه‌کار»، «انزواطلب» و «گذشته‌نگر» بود که بسیار تندروتر، انعطاف‌ناپذیرتر و لجوج‌تر از دو گرایش دیگر بوده و در فرهنگ مذهبی ایران ریشه عمیق‌تری داشت. (کاتوزیان، ۱۳۸۳؛ ۱۲۵-۱۲۹)

پیش از تحکیم قدرت مطلقه رضاخان این سه ایدئولوژی فعال بودند اما با استحکام پایه‌های قدرت مطلقه، گرایش‌های فکری دوم و سوم که ضد استبدادی بودند به مخالفت با تاکتیک‌ها و اهداف رضاخان که رهبری ناسیونالیسم متجدد را در دست داشت برخاستند. رضاخان که از حربه‌های مختلف برای تثبیت قدرت خود استفاده کرده بود، قدرت سیاسی پادشاه را که با انقلاب مشروطه محدود شده بود تبدیل به قدرت مطلقه نمود و بار دیگر فضای سیاسی را محدود کرده و حوزه عمومی و خصوصی را تحت انقیاد قدرت سیاسی موجود درآورد. در این زمان «هرگونه دگراندیشی در معرض سرکوب قرار می‌گرفت». (لمبتون، ۱۳۷۹؛ ۱۹۸)

بسیاری از دگراندیشان و تبلیغ‌کنندگان ایدئولوژی‌های رقیب، با نگرش سیاسی-اجتماعی دولت، به اشکال مختلفی معدوم شده و یا کنار گذاشته شدند. مشهورترین دگراندیشان این دوره گروه موسوم به ۵۳ نفر بودند که تقی ارانی رهبر این گروه به شکل نامعلومی سر به نیست شده و یاران وی به حبس‌های طولانی مدتی محکوم شدند. (مؤمنی، ۱۳۸۴)

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی ... ❖ ۵۵

بنابراین در دوران پهلوی اول به غیر از ایدئولوژی رسمی دولت (ناسیونالیسم متجدد) ایدئولوژی‌های دیگر خاموش شده و فضای دگراندیشی بسته شد. در نتیجه جامعه ایران که به واسطه انقلاب مشروطه در صدد تجربه پلورالیسم بود، در قالب جامعه‌ای تک‌صدا و تفکیک‌نیافته باقی ماند.

۳- احزاب سیاسی: وجود احزاب سیاسی به عنوان یک نهاد مدنی گویای وجود حوزه عمومی مستقل از دو حوزه دیگر بوده و معرف ساختار اجتماعی سه‌وجهی است. در ابتدای دوره تاریخی پهلوی اول چهارحزب اصلاح‌طلب، تجدد، سوسیالیست و کمونیست وجود داشت که رضاشاه هریک را به نحوی از ادامه فعالیت بازداشت. (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۵۰) رضاشاه با بهره‌گیری از ارتش، بروکراسی و پشتیبانی دربار، نظام سیاسی را کاملاً در دست گرفته و حوزه‌های خصوصی و عمومی را تا حد ممکن تحت کنترل خود درآورد. از مجلس ششم تا سیزدهم، که مقارن بود با پادشاهی رضا پهلوی، شخص شاه نتایج انتخابات و ترکیب هر مجلس را تعیین می‌کرد. (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۷۲) به عقیده حسین مکی در انتخابات ششمین مجلس شورای ملی، وکلای حقیقی مردم که به مجلس راه یافتند، هشت یا نه نفر بیشتر نبودند. (مکی، ۱۳۶۲: ۱۱۲) شرکت در انتخابات سیاسی مهمترین مجرای فعالیت احزاب سیاسی و سایر نهادهای مدنی است که با بسته‌شدن این روزنه پس از انتخابات ششم امکان مشارکت مردم در سرنوشت خویش از بین رفت. تحدید حوزه عمومی و فعالیت احزاب سیاسی تنها به دخالت دولت در انتخابات ختم نشد و رضاشاه برای تضمین قدرت مطلق خود روزنامه‌های مستقل را تعطیل نمود، مصونیت پارلمانی نمایندگان را سلب کرده و حتی احزاب سیاسی را از بین برد. از هنگامی که مدرس و همکاران روحانی وی کرسی‌های نمایندگی خود را از دست دادند حزب اصلاح‌طلبان هم از فعالیت محروم شد. حزب سوسیالیست و کمونیست نیز سرکوب شده و به تعطیلی کشیده شدند و حزب تجدد که صادقانه از رضاشاه حمایت کرده و در به سلطنت رسیدن وی نقش فراوانی داشت نخست به حزب

«ایران نو» و سپس حزب ترقی تبدیل شد. حتی حزب ترقی نیز به دلیل این سوءظن که احساس‌های جمهوری‌خواهی را می‌پروراند به تعطیلی کشیده شد. بنابراین در این دوران با تثبیت مجدد استبداد سیاسی و انبساط حوزه رسمی قدرت سیاسی، حوزه خصوصی و خصوصاً حوزه عمومی منقبض شده و استقلال خود را از دست دادند، لذا دیگر امکان فعالیتی برای نهادهای مدنی وجود نداشت.

در نتیجه به دلیل این که طبقات اجتماعی مستقلی وجود نداشت و احزاب سیاسی و ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی متنوع و متعددی فعالیت نداشتند، جامعه آماری تحقیق از حیث تفکیک‌یافتگی اجتماعی بسیار ساده و دارای ساختار اجتماعی دوجبهی تشخیص داده است.

### ب) ویژگی‌های جامعه ایران دوره پهلوی اول از حیث تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی

در منظر مید توسعه اجتماعی از خلال تفکیک‌یافتگی اجتماعی به تعمیم قوانین اجتماعی منتهی می‌شود. تفکیک‌یافتگی با تحمل و آزادی رابطه نزدیکی دارد، بنابراین هرچه جامعه تفکیک‌یافته‌تر باشد، آزادی در آن بیشتر وجود داشته و وقتی آزادی باشد تحمل دیگران نیز وجود خواهد داشت. (تنهایی، ۱۳۸۴) در یک جامعه آزاد که از ظرفیت تحمل‌پذیری بالایی برخوردار است، دیگر اشخاص مطرح نبوده و این نقش‌های تعمیم‌یافته و قوانین اجتماعی موجود هستند که اهمیت دارند. بنابراین به منظور سنجش جامعه آماری از حیث تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی دو شاخص قوانین اجتماعی مثبت و تشخیص‌گرایی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱- قوانین اجتماعی مثبت: بنا بر تعبیر مید و بلومر جوامع توسعه‌یافته حداقل محدودیت‌های رفتاری را برای افراد جامعه ایجاد می‌نمایند تا خدشه‌ای به ماهیت نوآور و خلاق این جوامع وارد نشود. در نتیجه قوانین و مقررات اجتماعی و همچنین سایر محدودیت‌هایی که توسط دولت و یا دستگاه‌های نظارتی دیگر ایجاد می‌شود، حتی‌المقدور جنبه وادارکننده نداشته و بیشتر بازدارنده می‌باشند. رضاشاه

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی... ❖ ۵۷

به منظور اجرای اصلاحات اجتماعی و مدرن‌سازی جامعه محدودیت‌های رفتاری بسیاری را برای افراد جامعه ایجاد نمود که برخی از آنها عبارتند از: قانون نظام اجباری و یا نظام وظیفه عمومی (۱۶ خرداد ۱۳۰۴)، تخت قاپو کردن و خلع سلاح ایلات و عشایر، متحدالشکل کردن لباس و استفاده اجباری از کلاه پهلوی (که بعداً به کلاه شاپو تغییر یافت)، کشف حجاب، تحدید مراسم ماه محرم و تغییر سبک عزاداری برای درگذشتگان و غیره.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جامعه آماری تحقیق نه تنها قوانین مثبت کاهش نیافت، بلکه افزون‌تر شده، در نتیجه از آزادی افراد کاسته شده و وجه خلاقیت و تفسیرگری جامعه محدود شده بود.

۲- **تشخص‌گرایی:** با قدم‌نهادن در مرحله دیگر تعمیم‌یافته، انسان‌ها با فهم معنای تقسیم‌کار اجتماعی و درک جایگاه خود، قادر به فعالیت در سازمان‌های رسمی یا درک نمادی کامل از قوانین و حقوق اجتماعی خواهند بود، زیرا این قوانین و مقررات است که ارتباطات و فعالیت سازمان را مشخص می‌نماید نه فرد یا افرادی خاص، بدیهی است در چنین وضعیتی تمامی افراد جامعه در برابر قانون از موقعیت یکسانی برخوردار بوده و قانون در مورد همه افراد به طور صریح و روشن به شکل یکسانی اجرا خواهد شد. همچنین برنامه‌ها و اصلاحات اجتماعی ناشی از گرایش‌های شخصی افراد نیست که در صورت تغییر یا حذف آنها از سیستم اجتماعی روند اصلاحات و برنامه‌های اجتماعی تغییر کند. در دوره تاریخی پهلوی اول شواهد تاریخی بسیاری را می‌توان یافت که معرف تشخص‌گرایی در هر دو زمینه اجرای برنامه‌های اجتماعی و اجرای قوانین مدنی می‌باشد، برخی از این نمونه‌های تشخص‌گرایی عبارتند از:

- روزی همسر پادشاه ایران هوس کرد بسته شکلاتی را بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد ایران کند، دولت نیز ناچار به صدور معافیت گمرکی برای همین یک مورد شد. این در حالی است که در سال ۱۳۱۳ وزارت خارجه قادر به ترخیص

## ۵۸ ❖ جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی...

مشروبات خارجی که برای پذیرایی مهمانان اروپایی وارد کرده بود نبود، زیرا وزارت مالیه ۹۰۰۰ تومان عوارض گمرکی برای آنها مطالبه می کرد که وزارت خارجه از عهده پرداخت آن بر نمی آمد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۲۱ b)

- مطابق اصل ۳۷ متمم قانون اساسی با ازدواج محمدرضا پهلوی و فوزیه، فرزند آنها مشمول ولایت عهد نمی شد. برای رفع این مشکل به دستور رضاشاه در چهاردهم آبان ۱۳۱۷ طی لایحه ای این اصل از قانون اساسی به نحوی تفسیر شد که مشکل موجود برای ازدواج ولیعهد مرتفع شود. (طلوعی، ۱۳۶۱: ۲۷۹)

- نخست وزیران منتصب در زمان رضاشاه ماشین امضایی بیش نبودند و تمام وزیران فعالیت ها و برنامه های وزارت خانه تحت مدیریت خویش را با نظرات شخصی پادشاه هماهنگ می نمودند، به ظاهر تفکیک قوا صورت گرفته بود، اما «پادشاه رئیس هر سه قوه مقننه، قضایی و اجرایی است و زمام امر همه در دست اوست». (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۴۴۱) فروغی یکی از نخست وزیران دوره مورد بررسی، هدف تشکیل کابینه خود را این طور بیان می نماید: «برای تحقق نیات مقدسه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنفا و به دنبال مقصد عالییه ذات اقدس همایونی...». (رضا قلی، ۱۳۸۴: ۱۸۴)

بسیاری از مورخان و تحلیل گران تاریخ پهلوی اول، عصبانیت شخص پادشاه را (که منجر به سوزاندن پرونده نفت شد) عامل اصلی تمدید قرارداد داری و متضرر شدن مجدد ملت ایران می دانند.

- در جریان تحقق ایدئولوژی ناسیونالیسم متجدد، به منظور پاکسازی زبان فارسی از لغات بیگانه به دستور رضاشاه فرهنگستانی تأسیس شده بود. هرگاه معادلی به تصویب این فرهنگستان می رسید، باید آن را به تأیید شاه هم می رساندند تا رسمیت پیدا کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۴ b: ۴۲۸-۴۲۹)

- علاوه بر موارد ذکر شده فوق، نمونه های بسیاری را می توان یافت که معرف جامعه تشخیص گرا باشد، اما مهمترین نمونه تاریخی که به خوبی گویای



## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی ... ❖ ۵۹

تشخص‌گرایی در اصلاحات و برنامه‌های اجتماعی باشد، کان لم یکن شدن اصلاحات رضاخانی پس از استعفای اجباری وی بود. برای مثال کناره‌گیری رضاشاه از قدرت به رؤسای تبعیدی ایلات امکان داد تا به خانه‌های خود بازگشته، مسلح شده و مناطق ایلی را در کنترل خود درآوردند. (احمدی، ۲۱۷، ۱۳۸۴)

با تأمل در تاریخ پهلوی اول و کاریست دو شاخص معرف دوره «دیگر تعمیم‌یافته»، این نتیجه حاصل می‌شود که در دوره تاریخی مورد بررسی قوانین اجتماعی مثبت افزایش یافته و جامعه از تشخص‌گرایی بسیار زیادی برخوردار بوده است. در نتیجه قوانین اجتماعی تعمیم‌یافته و کنش‌های اجتماعی براساس درک و تفسیر قوانین و روابط موجود میان نقش‌ها تنظیم نشده بود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با بررسی به عمل آمده، نتیجه نهایی این است که جامعه مورد تحقیق از حیث تفکیک‌یافتگی اجتماعی بسیار ساده بوده و دارای ساختار اجتماعی دو وجهی می‌باشد، هم‌چنین از حیث تعمیم‌یافتگی قوانین اجتماعی که از مشخصات مرحله نهایی مدل توسعه اجتماعی جرج هربرت مید بوده و شاخص‌های کیفی معرف آن می‌باشد، قوانین اجتماعی در دوره تاریخی بررسی شده عمومیت نداشته و به جای نقش‌های تعمیم‌یافته، اشخاص اهمیت داشته و مسیر تغییر و تحولات جامعه از این طریق رقم می‌خورد. پس جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل مید در مرحله بازی‌های فردی قرار گرفته و نمونه بارز یک جامعه توسعه‌نیافته است.

برای بررسی و شناخت زمینه‌های تأثیرگذار بر توسعه‌نیافتگی ایران و ارائه راهکاری علمی در جهت رفع این مشکل، بر اساس رویکردی متفاوت (تفسیرگرایی) از پیشینیان، ابتدا باید مسأله توسعه‌نیافتگی ایران را با توجه به مبانی نظری جدید اثبات کرد تا در پژوهش‌های آتی بتوان زمینه‌های تأثیرگذار و راهکارها را بررسی نمود. لذا این مطالعه آغازی است برای پژوهش‌های آینده که با اثبات مسأله توسعه‌نیافتگی ایران بر مبنای نظریه مید گام‌های بعدی را برداشته و ابتدا

## ۶۰ ❖ جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی...

زمینه‌های مؤثر بر مسأله و سپس راهکارهای علمی مرتفع نمودن آن را کشف نماید.

### منابع و مأخذ:

- ۱- آبراهامیان، یرواند؛ ۱۳۸۳، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ دهم.
- ۲- احمدی، حمید؛ ۱۳۸۴، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نی، چاپ پنجم.
- ۳- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ ۱۳۸۰، بررسی تحلیلی مفهوم ساختار تقسیم کار اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی مید، فصلنامه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، شماره ۸-۷، صص ۱-۲۳.
- ۴- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ ۱۳۸۱، رهیافت جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی، (رویکرد نظری بر اساس تئوری تفسیرگرایی، فصلنامه علمی - پژوهشی آشتیان، شماره ۱۱، صص ۳۵-۴۵.
- ۵- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ ۱۳۸۲، جامعه‌شناسی فلسفی - دینی در غرب باستان، تهران: بهمن برنا، زمستان چاپ اول.
- ۶- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ ۱۳۸۳، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مرنديز، چاپ پنجم.
- ۷- ابوالحسن تنهایی، حسین، کارکردهای اجتماعی عرفان عملی در یگانگی و صلح جهانی، (سخنرانی مورخه ۱۳۸۴/۱۱/۲۵ در مؤسسه گفتگوی ادیان) برگرفته شده از سایت مرکز گفتگوی ادیان [WWW.IID.ORG.IR](http://WWW.IID.ORG.IR).
- ۸- پهلوان، کیوان؛ ۱۳۸۴، رضا شاه از الشتر تا الادشت، تهران: آرون، چاپ دوم.
- ۹- خواجه نوری، ابراهیم، ۱۳۷۵، بازیگران عصر طلایی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان،
- ۱۰- دولت آبادی، یحیی، ۱۳۶۱، حیات یحیی، تهران: انتشارات عطار و انتشارات طوس، چاپ دوم، ج چهارم.
- ۱۱- رضاقلی، علی؛ ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران: نی، چاپ بیست و چهارم.
- ۱۲- سروش، عبدالکریم، ۱۳۶۰، چه کسی می‌تواند مبارزه کند، تهران: پیام آزادی.
- ۱۳- طلوعی، محمود؛ ۱۳۶۱، پدر و پسر (ناگفته‌هایی از زندگی و روزگار پهلوی‌ها)، تهران: نشر علمی، چاپ ششم.
- ۱۴- عضدانلو، حمید؛ ۱۳۸۴، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی، چاپ اول.

## جایگاه جامعه ایران دوره پهلوی اول در مدل توسعه اجتماعی ... ❖ ۶۱

- ۱۵- عزیز بختیاری، محمد و فاضل حسامی، ۱۳۸۲، درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین، قم: انتشارات حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۱۶- فردوست، حسین، ۱۳۷۰، ظهور و سقوط پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ج اول.
- ۱۷- لمبتون، آن.کی.اس، ۱۳۷۹، نظریه دولت مدرن در ایران، گردآوری و ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: گیو، چاپ دوم.
- ۱۸- مکی، حسین، ۱۳۶۲، تاریخ بیست ساله ایران، تهران: ناشر، چاپ دوم، جلد چهارم.
- ۱۹- مؤمنی، باقر، ۱۳۸۴، دنیای ارانی، تهران: خجسته، چاپ اول.
- ۲۰- نقوی، علی محمد، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی غرب گرایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۲۱- همایون کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۳، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چاپ دهم.
- ۲۲- همایون کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۴a، تضاد دولت و ملت ایران، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نی، چاپ سوم.
- ۲۳- همایون کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۴b، دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، چاپ سوم.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی